

حقیقت

شماره ۲۲ - ۲۲ خرداد ۱۳۵۹

گرانی و نهضت ضد گرانی

گرانی بیداد میکند . در عرض سال گذشته بنا به اعترافات جسته و گریخته مقامات مسئول نرخ تورم مرزهای ۴۰ - ۵۰ درصد را پشت سر گذاشته است و چنین بنظر میرسد که گویا بر قیمتت فزاینده احتیاجات حیاتی و روزمره مردم بیانی نیست . قیمت های نجومی ، مردم تهیدست و فقیر ، زحمتکشان سپرده را محبور میکنند که از بسیاری از ضروریات زندگی یا صرف نظر کرده و یا صرف آنها را به حداقل ممکن کاهش دهند : برنج کیلو ۲۰ تومان ، گوشت تا کیلو - ۶۰ تومان ، مرغ کیلو - ۲۵ تومان (با شکم پر !!) بنا به گویان ۱۸ خرداد مرغ در سال گذشته کیلویی ۱۳ تومان بود و

دهقانان متحدان اصلی طبقه کارگرند!

هنوز ملاک وزمیندارو خان و ارباب دردهات وجود دارد و در وضع انبوه دهقانان کشور تغییری اساسی روی نداده است . در روستای کشور هنوز ملاک وزمیندارو خان و ارباب حکومت میکنند و اشرار وابسته به این اشخاص ، که با سرمایه داران ملی و (بقیه در صفحه ۲)

با فرارسیدن زمان برداشت محصول کتاکش دهقانان و ملاکان بیربالا میگردد ، و این وضع اجبارا توجه همگان را بسوی روستا جلب میکند . یکسال ونیم پس از سرنگونی نظام مطلقه شاهنشاهی ، که در کنار زمانه مع امپریالیسم و سرمایه داران دلال و وابسته از منافع طبقه ملاک و زمینداران نیمه فئودال دردهات شیرجراست میکرد (شاه مخلوع و اعضای دربار پهلوی) تنها بزرگترین سرمایه داران دلال وابسته به امپریالیسم بودند بلکه بزرگترین ملاکان و زمینداران کشور نیز بودند

در این شماره

- آیا مبارزه در راه منافع خلق به "گرایشات فئودال کراتیک" با میدهد؟ صفحه ۱۲
- همدست تیمار رزمی جلاد شاه و وزیر کشور است! صفحه ۱۲
- درباره اعاده حیثیت ازلیو- شائوچی صفحه ۱۲
- ساواکی ها هنوز آزادند! صفحه ۱۲

ارتش و رادیوهای مزدور صفحه ۲

طبقه کارگر ایران خواهان مصادره زمینهای ملاکان بزرگ و فئودالها به سود دهقانان زحمتکش است.

اربابی را حفظ کرد، بلکه توده‌های وسیعی از دهقانان رابی آن کراهی برای اصرار معاش‌آتی آنها بکشاید در بروبی -

دهقانان متحدان اصلی طبقه کارگرند!

غیرملی در حکومت همدستی دارند و در کمیته‌ها و ارگان - های محلی دولتی نیز نفوذ قابل توجهی بدست آورده‌اند با چوب و چماق و اسلحه جولان میدهند و به دهقانان زور می‌کوبند. مبارک، سلف - خورشید و مندربا خوار شهری و روستائی همچنان سر و کله - شان سرخرمن‌ها پیدا میشود و بسیاری از روحانیون و ماوران اجرائی دولت مدافع این غارتگران هستند. زمینداران بزرگ کذا - ز - نگونی شاه‌زبان دیده‌اند برای ترساندن دهقانان از مبارزه انقلابی عادلانه‌شان و همچنین برای دامن زدن بد تا امنی در روستاها و کمک به نقشه‌های توطئه‌گرانها میر - یالیم، آشور را برای آتش زدن خرمنها، سرگرد نه‌گیری، دزدی از خانه‌های روستائی و قتل و غارت دردهات اجیر گرفته بساط خانجانی بهین کرده‌اند. دهقان ایرانی همچنان زیر ستم و حشای نه - سدهای میانه، دیوانسالاران و زاندار میاست، همچنین نادر و گم‌ترگی هم‌از میان نیروهای مترقی در شهرها در اندیشه حمایت از وی میبایند. اطلاعات ارضی مدافعان بی حکومت محمدرضا شاه سی بر خلاف نظرها، حیظران جبرود خوار را میر با بیست و هفت - ظلمان وظا هر بینان مدینها اساس بهره‌کشی غارتگران زمینداران بزرگ و مالکیت خانی بزرگ اربابی و...

یا اگر دارند مخارج زندگی فقیرانه آنها را بحد کافی تامین نمیکند و در نتیجه مجبور به انجام کار مزدوری و شهمبری در مزارع ملاکان و دهقانان مرفه میباشند، و یا

بخانه‌ها گردانند و به "اضافه - جمعیت" غیر مولد در شهرها و دهات بشدت افزود. بخش عظیمی از زمینهای که به دهقانان صاحب نسق فروخته شده بود دوباره از چنگ آنها بدر آورده شد و بویژه در نیمه اول سالهای ۵۰ غمب زمین - های دهقانی و تشکیل مزارع بزرگ اربابی و ملاکسی - کمپرادوری بحساب خانه‌خرا - بی دهقانان بشدت افزایش یافت. اطلاعات ارضی کذا - ثی زراعت و دامپروری ایران را زمینداران بزرگ که از سرگونی شاه‌زبان دیده‌اند برای ترساندن دهقانان از مبارزه انقلابی عادلانه‌شان و همچنین برای دامن زدن بد تا امنی در روستاها و کمک به نقشه‌های توطئه‌گرانها میر یالیم، آشور را برای آتش زدن خرمنها، سرگرد نه‌گیری، دزدی از خانه‌های روستائی و قتل و غارت دردهات اجیر گرفته، بساط خانجانی بهین کرده‌اند.....

ساقط کرد و کشور را از لحاظ غله و خواربار به آمریکا و کشورهای بیگانه وابسته گردانید. بر طبق آخرین آمار - گیری کشاورزی در سال ۱۳۵۳ که توسط رژیم گذشته صورت گرفته، از کل سه میلیون و سیصد هزار خانوار روستائی کما بیش ۷۰٪ یا بیش از دو میلیون خانوار (با جمعیت قریب ۱۲۲۶۰۰۰۰ نفر) را دهقانان بی زمین و کم‌زمین (کمتر از ۵ هکتار) تشکیل میدهند. انسان دهقانانی هستند که با زمین نداشتند و...

رژیم سلطنتی و اوجکی - جیبش‌های انقلابی دهقانان به روایات مختلف فاش شد که بین ۷۰ - ۸۰٪ از زمینهای مزروعی کشور همچنان در دست ملاکان و زمینداران بزرگ و متوسط میباشند. همچنین این واقعیت فاش گردید که در اغلب این زمینها همچنان شیوه‌های شهمبری، نصفه‌کاری و خلاصه بهره‌کشی و حشای نه - نیمه‌شودالی حکمفرماست و در جاهائی نیز که کار مزدوری بشیوه باصلاح مدرن رواج دارد درجه استثمار نسبت به استثمار رایج در کارخانجات کشور قابل قیاس نبوده و در تعیین میزان آن زور صاحب زمین دخیل است.

روستا‌های ایران بی هیچ پروب و برگرد بیک انقلاب ارضی تا م‌وما نیاز مند است و مساله زمین مساله اصلی جنبش دهقانان ایران را در مقیاس کشوری تشکیل میدهد. البته همراه با زمین (و همچنین آب یعنی صنمدهای آزان) مسائل دیگر از قبیل نحوه وام، سدر و کود و وسائل سخم و غیره هم لازمست حل گردد. لیکن در روستاهای کشور ما مادامکه بدنا برابری زمین، وابستگی نیمه‌برده و اردهقانان به صاحبان بزرگ زمین (و مالکیت‌های اربابی و سده اربابی خانم داده‌سود و بساط انواع نکلهای بهره - کسی نیمه‌شودالی، شهمبری - اجاره‌داری و مزدوری حسی و بقدی منگی مد عرف و عبادت و رور و غره سرچیده نشود و دهقان در حد یک شهروند ساکن بهره‌آزادی و تساوی حقوق نرسد. همچگونه محبتی هم در باره سرفرازی اقتصادی - اجتماعی روستا و همچنین تعالی سیاسی و فرهنگی دهقانان نمیتوان کرد.

دهقانان متحدان اصلی طبقه

بقیه از صفحه ۲

کارگردان!

جدید صورت گرفته، این کمک از جانب ارگانهای ازجها د سا زندگی صورت گرفته که عملا تابع دولت نبوده و هنوز نیروهای پر شور جوان کشور در آن ها نقش ایفاء میکنند و کاملاً دنیا لهر روی حکومت رسمی و استانیها و غیره نشده اند. بغلاوه هنوز میلیونها هکتار زمین مزروعی، که همچنان در دست زمینداران واریا بها و شترت - مندان شهری است، دست نخورده باقی مانده است، دولت زمینهای بیگران خاندان پهلوی و دارودسته فئودال - کمپرا دوری و بود روکرات سرنگون شده را اغلب میان دهقانان سربا زمینند. همین نکته درباره زمینهای وسیع موقوفه نیز، که بشیوه عقب مانده سهمبری و اجازه داری نیمه فئودالی بهره برداری میشوند، صادق است. از اینرو دهقانان نمیتوانند هیچ امیدی به حکام جدید که افسارشان در دست سرمایه داران و زمینداران است و خدا کثرت دهقانان مرفه و خرده مالکان دردهات توجه دارند، داشته باشند. آنها باید خودبیا خیزند و بیا شیه ای انقلابی تمامی زمینهای ملاکی را ضبط کرده و بیا تشکیل شوراهای نمایندگان انقلابی خویش مساله اصلاحات ارضی در روستاها را بیدست گیرند بایده دهقانان حالی کرد که متحدان واقعی آنها در شهرها طبقه کارگرو همچنین بوده های نیمه پرولتاریا ر شده ساکن شهرها هستند و آنها برای جلب زمینهای

جریا آنها را کنند. ماحصل این قضا یا طرح اصلاحات ارضی نیم بند منتسب به استا درضا افغانی است، که با همه دستبردهائی که بفتح طبقه ملاک و زمیندار در طرح اولیة آن زده شده است، هنوز با ب طبع زما مداران و احزاب حاکم نمیباید و در نتیجه استاد رضا هم با همه قول و قرارهای خویش به دهقانان کارچندا نی نتوانسته است صورت دهد. بغلاوه شیوه دیوانسالارانه اجرای این طرح عملا در برابر اجرای این طرح قرار گرفته است و دستگای اجرائی کشور از جمله مقامات حاکم بر

صدها هزار هکتار زمینی که ادعا میشود در میان دهقانان تقسیم شده زمینهای است که دهقانان طی دو سال اخیر خود را سا ضبط کرده و بیزیرکشت برده بوده اند، و در راه حفظ آنها با رها شهید و زندانی داده اند.....

مقدار زیادی از این بحثها عوام فریبی های بورژوازی برای ساکت کردن دهقانان و جلوگیری از نفوذ انقلابیون به دهات میباید شود هدف از این بحثها حدا کثرت تقسیم مقداری از زمینها برای حفظ اساس مالکیت های غیر دهقانی و ملاکی و امیدوار نگه داشتن دهقانان به دولت دستگاه است. مقداری از این بحثها هم ناشی از اعمال نفوذ پاره ای جریا نهای خرده بورژوازی در میان طلاب و دانشجویان و جوانان دنیا لهر روی حکومت است که تحت تاثیر جنبش های انقلابی دهقانان تصمیماتی را به زما مداران روحانی و غیر روحانی فعلی تحمیل می کند و حکام جدید هنوز نتوان سسه اند خود را اریا رشار این

یکی از محصولات انقلابی اخیر در کشور ما و جگگیری جنبش دهقانان در جریان گسترش انقلاب در شهرها به تعداد فزاینده ای در تظاهراتها و قیامهای شهری شرکت کردند و در پیروزی قیام مردم بر رژیم سلطنتی نقش بسزائی ایفاء کردند. در آستانه سرنگونی رژیم سلطنتی دهات کشور نیز بتدریج به عرصه مبارزه انقلابی دهقانان علیه ملاکان تبدیل شد. بویژه پس از پیروزی قیام مسلحانه

بهمین ماه در شهرها، جنبش انقلابی دهقانان دردهات گسترش زیادی یافت و دهقانان در مناطق مختلفی از روستاهای کشور به مصاف دره انقلابی زمینهای شاه و اعضای دربار پهلوی، زمینداران و سرمایه داران بزرگ فراری برخاستند و بیا تشکیل شوراهای انقلابی حاکمیت خود را در پاره ای مناطق برجسای حاکمیت ارتجاعی ملاکان، زاندارها و دیوانسالاران رژیم گذشته نشان دادند. در همان زمان که انقلاب در شهرها به دست بورژوازی ملی و روحانیون جاه طلب و انقلابیون قلابی به انحراف و رکود کشید میشد، انقلاب دردهات تازه پیا میگرفت و در ادربا بجان و مازندان و کردستان و فارس و بزد و غیره مبارزه انقلابی با شدت و جدت جریان می یافت. ولی زما مداران جدید دولت موقت و شورای انقلاب، با همه قدرت با جنبش انقلابی دهقانان و انجام انقلاب ارضی در روستاها مخالفت

دهقانان متحدان اصلی

بقیه از صفحه ۳

امراضی خویشتن با دیدن ما -
 بنده بسوی این متحدان
 واقعی خود بفرستند و طوسی
 اجتماعات و با صدور قطعنامه
 مه‌ها کارگران و زحمتکشان
 شهری را به حمایت از جنبش
 انقلابی خویش فراخوانند.
 برخورد طبقه کارگر به
 جنبش انقلابی دهقانی عبا -
 رنست از پشتیبانی کامل از
 دهقانان سراسر کشور در مبارزه
 ره‌اشان برای مصادره املاک
 خانها، زمینداران و سرما -
 به‌داران زمینخوار، و جنبش
 کمونیستی ایران بعنوان
 وجدان بیدار طبقه کارگر ما
 باید قاطعانه از سر آزادی
 دهقانان حمایت کرده، با
 تکیه بر دهقانان بی زمین و
 کم زمین، که ۷۰٪ اهالی دهات
 را تشکیل میدهند، به تشکیل
 شوراهای انقلابی نمایند.
 گان دهقانان، مصادره
 زمینهای مالکان و بهیچ
 وضع اقتصادی و رشد فرهنگی
 سیاسی تهیدستان روستا
 یاری رسانند. البته کم -
 نیستند در قبال آن حرکتی
 دهقانی که در خدمت کشاورزی
 ها و نسوبه حسابهای میسر
 دار و روستاهای ملاکی رقیب و
 با دعواهای میان خانهای
 عشیرتی و غیره قرار گرفته یا
 می گیرند و بی طرفانه
 اتحاد میکنند و در همه جا از
 موضع نماد دفاع کلی -
 دهقانان با طبقه ملاک حرکت
 میکنند.
 کمونیستها با دیدن ما

که توده‌های عظیم دهقانان
 بی زمین و کم زمین متحدان
 اصلی و استوار طبقه کارگر در
 مبارزات عظیم کنونی هستند
 و دموکراتهای انقلابی همین
 ها هستند. هم‌انگیزی که گرا -
 یی به سازش با نیروهای
 وابسته به بورژوازی ملی و
 خرده بورژوازی دنباله روی
 آن را دارند و هم‌انگیزی که
 تنها طبقه کارگر و جنبش
 کارگری را مد نظر قرار می -
 دهند، از این متحد بزرگ
 پرولتاریای ایران غافلند
 و به دهقانان و مبارزه آزادی
 دی خواهانه و انقلابی آنها
 در کشور ما بهائی نمیدهند.
 حال آنکه سرنوشته‌های
 انقلاب دموکراتیک و ملی در
 کشور ما سرانجام بسته به مو -
 ضع گیری و رفتار دهقانان،
 این نما بنده اکثریت عظیم
 اهالی، می‌باشد. از این رو
 وظیفه کمونیست‌هاست که کار -
 گران را به اهمیت پشتیبانی
 و همراهی با این متحد بزرگ
 توده‌ای خود آگاه کنند و در همه
 جا به دفاع از جنبشهای انقلاب -
 بی دهقانان برخیزند، و دیگر
 آنکه بخشی از نیروهای خود را
 از هم اکنون به روستاها گسیل
 دهند و در درجه اول در خدمت
 تشکیل شوراهای اتحادیه‌های
 کارگران کشاورزی، پررگران
 و دهقانان فقیر قرار دهند.
 مبارزه در روستا با ابعاد
 سیاسی و رفاهی هر دو در بر
 گرفته و تلاش برای آگاهسازی

دهقانان و برانگیختن آنان
 به مبارزه انقلابی با فساد -
 لیبتهای مستمر رفاهی، اجنبی -
 عی و فرهنگی همراه گردد.
 ولی اسفا که بسیاری
 از گروه‌های کمونیستی
 موجود، به علت اغتشاشات
 تئوریک که تجدید نظر طلبان
 معاصرو تروتسکی مآبان طی
 سالها در جنبش ما درآمن زده -
 اند، تا حال نقش کمابیش
 منفعلی در برابر جنبش انقلاب -
 بی دهقانان اتخاذ کرده و
 درک صحیحی از مساله اساسی
 در دهات کشور یعنی مساله
 زمین و جنبش بورژوا -
 کراتیک دهقانی ندارند. به
 زعم ایشان روستای ایران بر
 اثر اصلاحات کذائی رژیم
 سلطنتی و تمایلات امپریا -
 لیسم سرمایه داری شده و مسا -
 له‌ای بنام مساله دهقانی، که
 دارای محتوای بورژوا -
 دموکراتیک است، با وجود
 نداشتن دویادارای اهمیت جز -
 ثی و قسمی و ابغاد محلی است.
 ما حینظران گروه‌هایی مانند
 "پیکار"، "رزمندگان" و غیره،
 که هیچگاه به اساس یک تئوری
 منسجم مارکسیستی حرکت
 نکرده‌اند، تحت لوای نظریه
 من درآوردی و غیر مارکسیستی
 "نظام سرمایه داری وابسته"،
 که بر طبق آن رژیم گذشته را
 رژیم بورژوازی و دهات
 ایران را دهاتی سرمایه داری

ری قلمداد میکنند و برای یک
 بار هم به بررسی واقعیاتی
 روستای ایران در پرتو تئو -
 ری مارکسیسم همت نگماشته -
 اند، بروا قعیت عقب مانده و
 استمرار رستم و حیا نه نیمه -
 فئودالی بر دهقانان کشور ما
 سرپوش گذاشته، مرکزی بودن
 مساله رفاهی راد دهات نا -
 دیده گرفته و برای جنبش
 انقلابی دهقانان برای زمین
 و آزادی اهمیت فاشیل
 نیستند. حرفهای آنها درباره
 دهات ایران همان همان حرفهای
 بورژوازی است؛ زیرا بور -
 ژوازی نیز (البته بدلیل
 پیوستگی‌های با طبقه ملاک
 و زمیندار رستم فئودال) در -
 باره استمرار رستم نیمه فئو -
 دالی و مرکزی بودن مساله
 زمین برای دهقانان و غلبه
 مالکیت‌های بزرگ نیمه -
 فئودالی در روستاهای کشور
 روش انکار را در پیش گرفته و
 میکوشد تا مساله دهکشا و رزی
 ایران را تا حد صلاح در نحوه
 اداره تولید، بذر و کود و ام
 و غیره تنزل دهد و با مساله
 زمین و تغییر نظام رسی را
 بعنوان مساله‌ای جزئی و
 قسمی و محدود و بی برخی نواحی
 مطرح سازد. یکی از وظایف
 امروز ما همانا مبارزه با این
 نظریات ضد دهقانی و بورژوا -
 پسندانهاست. در این باره باز
 هم خواهیم نوشت.

حقیقت

ارگان اتحادیه
 کمونیستهای ایران
 را بخوانید و پیش کنید

گرانی و نهفت فدگرانی

(بقیه از صفحه اول)

طور بنظر میرسد که در این مشکل بزرگ که همه را بخود مشغول کرده است از رئیس جمهوری گرفته تا دست فروش کنار خیابان

بالا می نازد. آقای بنی - صدر، رئیس جمهور، دوسه ماه پیش به بازار رفت و پس از بند و اندرزهای فراوان به بازاریان از آنها قول گرفت که قیمت ها بالا نرود! البته نتیجه این قول و قرارها و این برنامه ضربتی اقتصادی " آقای بنی صدر نتایجش بر همگان معلوم است و احتیاجی به تجزیه و تحلیل عمیق " اقتصادی " ندارد! در کنار این " بند و اندرزها " و متوجه نمودن بازاریان به حال و وضع " مستضعفین " که بنا به

جبریات سخت اجتماعی و اقتصادی گوش شنوایی ندا - شده و هرگز هم نخواهند داشت. ارگانهایی برای نظارت بر قیمت ها و محازات گرانفرو - شان بوجود آمدند که نام های " کمیته مورصفی امام " و " دادگاه ویژه منفی " را بر - گزیدند. این ارگانها نیز کاری از پیش نبردند و نمی - توانستند بپردازند. (ما در پائین درباره نقش این نهادها بیشتر خواهیم گفت) گرانی و گرانفروشی آنچنان ابعادی پیدا کرده است که هر روزه اخبار مختلفی در مورد آن در روزنامه ها درج میگردد و مقالات ویژه ای درباره آن نگاشته میشود، و مسئولین و قلم بدستان آنچنان در این مشکل و راه حلش گیر کرده اند که روزنامه نویسن کیهان همه را بی گناه و در عین حال همه را مقصر میدانند!! " این

فروشی) در اینجا و آنجا به صف این اعتراضات پیوسته - اند. یکی از خرده فروشان خیابان گرگان پس از تظا - هراتها و بسته شدن دربارا - چه میگوید: " ... ما چاره - ای نداریم. میوه در میدان با فروشها گران است و اشکال اساسی از آنجاست. مانیز میوه های مختلف را با ۱۵٪ تا ۲۰٪ اضافه خریدیستی به نوع استهلاک آن میفرو - شیم. " (جمهوری اسلامی ۴ خرداد)

ریشه ها و علل گرانی در نظام ما وابسته و عقب افتاده اقتصادی نهفته است. مسؤ - لین " منقلب " امرخیلی زیاد ما یلند که به مردم چنین جلوه دهند که گویا گرانی و گرانفروشی یکی از عواقب انقلاب است. در صورتیکه بالعکس جان سختی گرانی و تورم و گرانفروشی در اثر عدم قاطعیت انقلاب در از بین بردن پایه ها و ریشه های نظام اقتصادی آریا مهری، نظام وابسته و عقب افتاده ای که انگل و ارجان و مال مزد در می مکد، نهفته است. در آن نهفته است که هنوز فتودالها و مینداران بزرگ، سلف خرها و واسطه ها محصولات کشا - ورزی ایران را در انحصار خود دارند، در آن نهفته است که هنوز واردکنندگان و تجار و بازرگانان بزرگ و وابسته محصولات وارداتی را در انحصار داشته و بدون کنترل هر - قیمتی که مایل باشند بر اجناس میگذارند، در آن نهفته است که دولت و مسؤ - لین امر هنوز به ایسن دلال بازی و واسطه گیری پا میدهند، مثلا توزیع و پخش سیگار را از طریق ۲۵۰ دلال بزرگ انجام میدهند و نتیجه آن است که امروز تمام محمول دخانیات ایران یک ضرب احتکار میشود

و قیمت سیگار ۲۵ ریالی تا ۱۱/۵ تومان افزایش مییابد. این دلالان، واسطه ها، سلف خرها و تجار و بازرگانان از شرایط مساعد سود میجویند و خفاش وار خون مردم را در شیشه میکنند. حال که کشور - های امپریالیستی، ایران را تحریم اقتصادی کرده اند اینان بهانه لازم را بدست آورده اند. فوراً میگویند: " واردکنندگان تقصیری ندارند، دنیا ما را تحریم کرده است. " (کیهان ۱۸ خرداد) زمانی که با صطلاح نهادهایی چون " کمیته امور صفی امام " و " داد - گاه ویژه " تشکیل میشود (که راههای مبارزه با معلولها هستند تا علل) به علت نفوذ همین عوامل و بر - تری داشتن روابط بر روابط کارشان جهت منفی پیدای - کند تا مبارزه با گرانی و گرانفروشی. یکی از " مطلعین " درباره قیمت گران و سراسر آرمیوه می - گوید: " زمانی که نظارت دقیق مسئولین امور بر میند با رفر و شها عمل نشود وضع به همین منوال خواهد بود. نه این ترتیب که کمیته امور صفی امام هم در تعیین نرخها در درجه اول نظر خود سراسر فروشها را معتبر میدانند و آنها هم هر چند درخواستند در تعیین میکنند. " (جمهوری اسلامی ۴ خرداد) کار این نهادها با صطلاح " انقلابی " آنچنان منفی بوده است که مردم این نهادها را هم شریکان جرم گرانفروشان میدانند. به طوری که این کمیته اطلاعدهای پی در پی صادر میکند و دست داشتن در گرانی را تکذیب می نماید!! (مثلا رجوع کنید به انقلاب اسلامی ۱۳ خرداد) و برای اینکه

که کدما میک از ایسن نهادها ویا هر دوی آنها مقصد دیگر مهم نیست. کار ایسن نهادها این شده است

گرانی و نهضت ضد گرانی

بقیه از صفحه ۵

که عده ای از فروشندگان و گران فروشان جزء را "جات زات" کنند ولی "گران" فروشی "و عا ملان اصلی گران فروشی هنوز در جا معه موجودند و حتی "خوشحال تر" از قبل به زندگی انگلی خود ادامه میدهند.

نام "امام" لوٹ کشیده نشود تا "جلمه ای ترتیب داده و" برای حفظ عظمت امام "نام کمیته را از "کمیته امور صنفی امام" به "کمیته امور اصناف" تغییر میدهند!! ولی با تغییر نام هم مسئله گرانی حل نخواهد گردید! در این میان بین "کمیته امور صنفی" و "دادگاه ویژه" اختلافاتی درگیر میشود (لابد بطلت تعدد مراکز قدرت!!) و هر یک دیگری را به دفاع از محتکران و گران فروشان اصلی متهم می کند: "مناسفانه بطلت اعمال نفوذ هیات مدیره کمیته صنفی امام، پرونده محتکران و گران فروشان بزرگ در دادگاه مطرح نمی شود و دادگاه مجبور است فقط به مجازات کسه بپردازد. (حجت الاسلام مراللهسی رئیس دادگاه ویژه- کیهان ۶ خرداد) و "کمیته صنفی" در جواب میگوید: "بدیهی است چنانچه لازم باشد سوابق ارزشمندی دارند بزرگ و گران فروشان چند میلیون تومان سی که در دادگاه ویژه صنفی با اقدام قاطعی برای نشان انجام شده و یا خوشحال سرار قبل دادگاه را ترک گنه انده استحقاق رهت پریان محترم خواهد رسید." (با- مداد، ۶ خرداد ۱۳۵۹) آنچه که مسلم است اینست که محتکران و گران فروشان عمده و بزرگ منلکه خلاصی میابند و به سندن ملت مشغولند. این

تواند بهر دو چون خدا کشر کاری که میتواند بکنند اینست که از "گران فروشی جزء" که سهم بسیار کوچکی در گرانی و گران فروشی دارد جلوگیری میکند و دستی به ترکیب سیستم دلالی و واسطه بازی و... نمی زند. بنا بر این این طرح خدا کشر طرحی "ضربتی" خواهد بود که برای مدت کوتاهی از افزایش بی رویه "قیمتها جلوگیری میکند و بعد با زدن باره روز از نوروزی از نسو! البته از گوشه و کنار رزمه ها- بی درمورد" طرح "دیگری!!" نیز موجود است و آن انتصاب حجت الاسلام خلخالی برای حل

... مسئولین "منقلب" امر خیلی زیاد مایلند که به مردم

چنین جلوه دهند که گویا گرانی و گران فروشی یکی از عواقب انقلاب است، در صورتیکه بالعکس جان سختی گرانی و تورم و گران فروشی در اثر عدم قاطعیت انقلاب در از بین بردن پایه ها و ریشه های نظام اقتصادی آریا مبری، نظام وابسته و عقب افتاده ای که انگل و ارجان و مال مردم را می مکد، نهفته است.

مسئولین امر و دولت اخیرا" ب فکر برنامها و چاره های افتاده که گویند... بدین ترتیب گام بزرگ مسئولان جهت شکستن قیمتها و ایجاد سیستم صحیح تولید و توزیع برداشته می شود. (کیهان، ۱۵ خرداد ۱۳۵۹) ولی این "گام بزرگ" که حلال مشکلات از شکستن قیمتها تا درست کردن وضع تولید و توزیع میگردد چیست؟ "بر اساس طرحی که از سوی وزارت بازرگانی تهیه شده است منظور جلوگیری از افزایش قیمتها و ایجاد سیستم صحیح تولید و توزیع تهران به ۱۲ منطقه صنفی تقسیم و اتحادیه های صنفی منطقه ای تشکیل میشود." (همانجا) اما این "تدبیر" نیز راه بجایی نمیشود.

همانطور که گفتیم مسئله گرانی و گران فروشی به همراه خود اعتراضات و جوش های مبارزاتی را به همراه میآورد و آورده است. و این اعتراضات و خود جوشهای مبارزاتی

... مساله گرانی و گران - فروشی به همراه خود اعتراضات و جوش های مبارزاتی را به همراه میآورد و آورده است. و این اعتراضات و خود جوش های مبارزاتی می رود که بصورت جریان های انقلابی یا بدگوشش کنند تا این مبارزات را آگاهانه جهت دهند، و گرنه با هر زرفته و یا به محاسباتی انحرافی کشیده خواهند شد.

می رو که بصورت جریان های همه جاگیر تبدیل گردد. نیرو - های انقلابی یا بدگوشش کنند تا این مبارزات را آگاهانه جهت دهند، و گرنه با هر زرفته و یا به محاسباتی انحرافی کشیده خواهند شد. مسئله مهم در درون اینگونه مبارزات، سیاسی کردن آنها و سازمان دادن آنهاست تا توده های زحمتکش حتی لامکان خود میتوانند مبارزه با گرانی و گران فروشی را به پیش ببرند. نیروهای انقلابی باید از سوخ و نفوذ عناصر ضد انقلابی به درون این جریانها جلوگیری کرده و درباره آن هشیار بوده و به مردم نیز هشدار دهند. این جریانهای ضد انقلابی کوشش میکنند تا مردم را در مقابل کسه و فروشندگان جزء قرار دهند، محتکرین و گران فروشان عمده را از خطر برهانند، بدین ترتیب از آب گل آلود ماهی گرفته و از آن رضایتی ها بحق مردم و اعتراضات آنان در جهت مطامع ضد انقلابی خود سود جویند. هشیارانه و آگاهانه با یدیه اعتراضات و مبارزات توجه کرد!

ارتش و رادیوهای مزدور

مدت نیست مزدوران شاه و آمریکا، ارتشیان و ساوا - کیهای فراری و بختیار خائن و دارودسته‌اش به پخش برنا - مه‌های رادیوئی از فرستنده‌های بیگانگان مشغول شده - اند و به همپالگی‌های خود در ایران وعده انجام یک کودتا قریب الوقوع را میدهند . تبلیغات مسمم‌کننده این دزدان و جنایتکاران فراری که در آغوش اربابان خسود برای " آزادی وطن " از جنگال با صلاح " رژیم ارتجاعی خمینی " عرب شده میکشند و برای " ایران اردشیروداریوش " ضمه می - زنند هیچ انسان شریفی را نیست که به خشم در نیاید و در آنها که بزرگترین دشمنان آزادی و شرافت انسانی اند امروز از آزادی خواهی و حقوق اجتماعی و مدنی انسانها دم میزنند و در عزای هشتی معدوم خائن و دشمنان سرنگون شده انقلاب ، که اموالشان بعضاً " مصادره شده است ، مرثیه میخوانند . آنها که طی ۲۷ سال رژیم خونخوار محمدرضا شاهی بارها به قصابی و کشت و کشتار مردم ملیت های کشور ما برخاسته و دهها هزارتن از شریفترین فرزندان خلقهای کوردو آذربایجانی و توده‌های عشایر را به قتل رسانده اند امروز به مدافعان دوا تشنه اقوام و ملیت های کرد و آذری باجانی و قشقایی و بلوچ و غیره تبدیل شده و برای آنها چپ و راست پیام همستکی ارسال میدارند . توکمران گوش بفرمان بیگانه ، ساوا -

کیها و وطن فروشان حرفه‌ای ، اکنسون قبا ی ملی گری بتن کسره شب و روز " ایران ، ایران " میکنند و برای وطنی که هیچ گاه متعلق به ایشان نبوده و نیست آه میکشند و شعر می - سرابند . آنها از خنجره های کثیف خود بلندگوشی ساخته - اند تا سرمایه داران وابسته ، فئودالها ، شیخ ها و آیت - الله های مرتجع و سلطنت طلب ، روشنفکران خیانت پیشه و فرنگی مآب و دشمنان سرنگون شده انقلاب مجرانی برای بیان احساسات کثیف و تبلیغ امیال و آرزوهای شوم خود برای کشور ما پیدا کنند . شاهیا ، بختیار ریها ، ساواکیها و سایر مزدوران ریز و درشت آمریکا از هر مسئله ای که از قبیل بی کفایتی ، سازشکاری و زورگوشی انقلاب شکنانه محافل و احزاب حاکم پیش آید و مو - جبات ناراضی مردم را فراهم کند خوراکی برای تبلیغات فریبکارانه خویش تهیه میکنند . گرایشهای ارتجاعی و فتنه جوئی های تفرقه - افکنانه احزابی از قماش حزب جمهوری اسلامی دستاویزی برای توجیه تبهکار ریها و خیانت های این دارودسته - های فراری و سرپوش نهادن بر ماهیت فوق ارتجاعی آنها گردیده است . این خود هشداری است به خلق ما که از آنهائی که برای دشمنان فراری انقلاب خسوراک تبلیغاتی فراهم میکنند و آب به آسیاب عمال امپریا - لیسم می ریزند ضرر میکنند و به زبان سازشکار ریها و

مماسات محافل حاکم - امپریالیسم و ایادی آن ، شاهپرستها و ساواکیها ، پی ببرند . لیکن مسئله مهمتر در اینجا توجه به آن محافل و کانونهای توطئه گری در داخل کشور است که ایمن رادیوهای مزدور همه امیید خود را متوجه آنها ساخته اند . هما بنطور که انتظار هم میرفت مخاطب اصلی و طرف توجه اصلی و میدایین دارودسته - های فراری برای انجام کودتای ارتجاعی و تصرف دوباره قدرت توسط ایشان ارتش با زماندهه از رژیم سابق است . آنها دامن " ارتش و ارتشیان را برای انجام اقدامات توطئه گرانه مشترک با خود و پیگیری در تدارک یک کودتای نظامی تشویق میکنند . علت آنهم اینست که ارتش با صلاح اسلامی و ملی گرونی ، که دست پرورده آمریکا و رژیم محمدرضا شاهیست ، نیروی حاضر و آماده ایست که بارها کارکشتگی خود را در سرکوب مبارزه خلقها و انجام وظیفه در راه منافع استبداد و امپریالیسم به اثبات رسانیده است . امید بستن دارودسته های فراری و رادیوهای آنها به ارتش و نشانه بیگانگی ارتش و فرماندهان آن از انقلاب مردم و وابستگی این نهاد ارتجاعی سرکوبگر به دشمنان انقلاب ایران است . در نتیجه آنهائی که امروز به حفظ و بازسازی این نهاد پس مانده سلطه استعماری آمریکا یاری میرسانند و از تسلیح عمومی خلق و

تشکیل یک ارتش انقلابی واقعی جلوگیری کنند ، آب به آسیاب این دارودسته های فراری میریزند و امید آنها را برای اجرای نقشه های توطئه گرانه شان علیه انقلاب افزایش میدهند .

اعاده حیثیت لیوشا کوچی

بقیه از صفحه ۱۱ نیست چینی - در زمانیکه دستهای پرتوان انقلاب فرهنگی بر سرش کوبیده شد و ایشان ظاهراً انتقاد از خود کردند ، در سخنرانی خود در یک جلسه حزبی در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۶۶ چنین گفته بود : " در جنبش گرونی انقلاب فرهنگی ، رفیق لیوشا کوچی و خدمت من ، آن افرادی در حزب و کمیته مرکزی هستیم که بورژوازی را نمایندگی میکنیم . و " اعلامیه دیواری صدر ما شد ، که دریا زده مین پلنوم ما در شد ، ستاد رفیق لیوشا کوچی و این جانب را بمباران نمود " اعاده حیثیت از لیوشا - کوچی ، اعاده حیثیت از رویزیونیسم است و یکی از مهم ترین گامهای خیانت بار دارودسته حاکم برجین گرونی در جهت نفی سوسیالیسم و احیای اصول سرمایه داری میباشد . بی جهت نیست که هرگامی که هیئت حاکمه رویزیونیست چین در احیاء مواضع شکست خورده خدا نقلاب در چین برمیدارد ، یک گام بیشتر در جهت همکاری سوسیالیسم و امپریالیسم و میزبانی امپریالیسم آمریکا بر میدارد . در این رابطه ما دیدیم سوسیالیسم امپریالیستهای بقیه در صفحه ۹

ساواکی ها هنوز آزادند

بقیه از صفحه آخر

می حقوق هم دریافت میکنند دستگیری کمالی تصادفی بود بدین معنی که به هنگام مراجعات برای دریافت حقوق یکی از شکنجه شده ها که در آن محل حضور داشته وی را شناختی میکنند و دستگیر میشود فرج اله حسینی معروف به کما نگر که شکنجه گرانساناخته ای هم نبوده است این چنین آزادانه میگشته و حقوق میگرفته است حال ببینید که ما موران پنهانی ساواک که مردم عادی به ما هیتان واقف نیستند چه وضعی دارند و از چه آزادیها بی برخوردارند و وقتی شکنجه گرش آزادانه برای دریافت حقوق مراجعه میکنند دیگر تکلیف بقیه شان روشن است اهمیت محاکمه کمالی صرفا دربار زگوئی شکنجه ها و جنایات رژیم شاه نبوده اهمیت آن در یادآوری خطری است که همین امروز حاضری است و بر علیه انقلاب ما توطئه میکند

داد و در آنجا مابین وظیفه که خود را متعهد به اجرای آن میدادیم، ملاحظه کاری را نیز جایز نمیدانیم و نماندیم. زمانی که کتاب بنا مبرده منتشر شد، از یک سو با استقبال وسیع مردم آگاه مواجه شد و پاکسازی عوامل ساواک از پائین و بدست توده های مردم ابعاد جدیدی پیدا کرد و سازمان ما گزاشات بسیاری در این زمینه دریافت کرده است، اما از سوی دیگر هم دولت و هم اکثریت قریب به اتفاق گروه های سیاسی کوشیدند تا هر یک بنوعی این افشاگری را به لوث کشیده، آنرا "مخدوش" و "قلای" نشان دهند و چنین وانمود کنند که این لیست ساخته و پرداخته خود ساواک بوده، هدفش "بدنام کردن انقلابیون" است. مادر همان زمان پاسخ لازم را به این موضع گیری ها و ایرادات دادیم و علیرغم همه فشارهای فرصت طلبانه حاضر نشدیم تا از بیگیری این مسئولیت شانه خالی کنیم. آن زمان تا بحال، دولت لیست های متعددی را جهت پاکسازی منتشر کرده است (چه در تهران و چه شهرستانها) بی اغراق باید گفت که حدود ۹۰٪ از اسامی موجود در این لیست ها منطبق با لیست منتشره از جانب سازمان ما بوده، آشکارا صحت و درستی آنرا به اثبات میرساند، اما

از اسامی عوامل ساواک بوده و قطره ایست از دریای بسیاری از عمل ساواک، امروز برنام "ساواک" در "خدمت" جمهوری اسلامی اند و بسیاری دیگر نیز آزادانه میگردند و در نهایت از این یا آن اداره اخراج شده و یا حتی باز خرید گشته اند و دستشان برای توطئه چینی کماکان باز است. "شورای انقلاب" بمنظور برهم زدن "تفاهم" میان ساواکی ها و مردم (!!) از انتشار لیست کامل همه اعضا و منافع ساواک خودداری کرده و حاضر نیست این لیست را منتشر کند. و ما هم نظاری از این جمع نداریم و نمیتوانیم هم داشته باشیم. روی سخن ما در اینجا با گروه ها و سازمانهای سیاسی و مترقی است. شما می که هر روز شعار "مبارزه با ساواک" و "افشای نام ساواکی ها" را میدهید، چرا خودتان هر چه در اختیار دارید منتشر نمی کنید و به سهم خود در آنجا مابین وظیفه نمی کوشید؟ اگر یک اسم دارید، اگر ده اسم دارید، اگر صد اسم دارید، اگر هزار اسم، ده هزار و ... اسم دارید چرا منتشر نمیکنید؟ منتظر چه هستید؟ مگر نمی بینید که این جنایتکاران و خائنین چه توطئه هایی می چینند و چگونه زمینه یک کودتای امپریالیستی و سیاه را فراهم میکنند؟ مگر نمی بینید که خرابکاری میکنند و با انفجار ریمب مردم را بکشتن میدهند؟

حقیقت اینست که بسیاری از گروه ها و سازمانها می توانستند در این زمینه کاری انجام دهند، غرق در انحرافات گوناگون بوده، هر یک به دلیلی از انجام آن سرباز می زنند. بخشی از آنها به راست در غلطیده، مجرای "قانون" را انتخاب کرده اند

و انتشار مستقل اسامی ساواکی ها را مایه "تفاهم" هم نشان" با دولت بی صدر میدادند و در نتیجه در انتظار آنند که این لیست از جانب دولت منتشر شود (انتظاری عبث). بخشی از آنها که از انحرافات "چپ" رنج می برند، از ضرورت افشای اسامی ساواکی ها جماعتی برای کوبیدن دولت ساخته اند و مدعی اند که در این زمینه باید به فشا برد دولت (که خود میداند هیچ وقت لیست کامل را منتشر نخواهد کرد) بسنده کرد و از این محصل زمینهای برای افشای دولت ساخت. در نتیجه آنها نیز فعالیت مستقل در این زمینه را درست نمیدانند و اسامی موجود را با یکا نی کرده اند. هر دوی این انحرافات یک نتیجه بیشترند و آن آزاد بودن ساواکی ها است. چه آنها که در انتظار با زدن "مجرای" دولت نشستند و چه آنها که تضادهای اساسی مقابل با (امپریالیسم و ارتجاع) را فراموش کرده، به قیمت مبارزه با این دولت حتی حاضرند از افشای نام ساواکیها نیز خودداری ورزند، هر دو به یک نتیجه میرسند و دوروی یک سکه را تشکیل میدهند. به این انحرافات، که فقط گوشه ای از تبلور انحرافات غالب بر گروه ها و سازمان های جنبش ما است باید هر چه زودتر پایان داد و مسئولیتی را که مردم داغدار ما بردوش ما نهاده اند بیش از این پشت کوشش نیاندخت.

کمالی ها در جا معده ما فراوانند و با تغییر هویت به خرابکاری بر علیه انقلاب مشغولند. دست این جنایتکاران باید هر چه زودتر از جان مردم و انقلاب ما کوتاه شود.

آیا مبارزه در راه منافع خلق ...

بقیه از صفحه ۱۰

نی" برسید که آیا در گنبد هم مانند کردستان، این سال زمانهای "چپ رو" و "آنا-رشیست" بودند که "جناح جنگ امروز حکومت" را تخریک کردند تا آن سالمان را به جنگ و خون کشند و رهبران خلق ترکمن را به شیوه "آریا-مهرن بکشند؟ آیا در زندان اهواز هم گروههای "چپ رو" باعث شدند که دانشجویان زندانی به رگبار مسلسل بسته شوند؟ و بالاخره از رویزیو-نیستهای جوان بایده سوال کرد مگر نه اینکه طی ماههای گذشته رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق به کرات از "تلاشهای صلح طلبانه" برخی از محافل حکومت "استقبال کرده است. و همه جا دست زبیر را گرفته است تا مبادا "گرا-یشت فددمکراتیک" جناح - هائی از "حکومت" رشد نماید، آیا این رهبران رویزیو-نیست موفق گردیده اند که حملات فدا انقلاب را الاقل نسبت به "سازمان چریکهای فدائی خلق" و هواداران آنها کاهش دهند؟ اگر جواب منفی است، پس چرا رهبران رویزیو-نیست فدائی ریاکارانه سعی میکنند که "گرایش ضد دمکراتیک" را در جناحها - ثی از "حکومت" ناشی از مقاومت قهرمانانه خلق کرد و پیشمرگه های رزمنده - اش در برابر نیروهای ضد انقلاب وانمود - سازند. حقیقت اینست که این "رهبران" برای توجیه رویزیونیسم

ایا این رانمی فهمند که در وجود فتنه انگیزان شوری چون رفسنجانی ها و غفاریها و خامنه ای - ها ... به اندازه کافی "گرایش ضد دمکراتیک" موجود است که دیگر احتیاج نباشد "رهبران فدا-ئی در مبارزه مردم و سازمانهای انقلابی بدنیال عامل محرک این فتنه -

انگیزان بگردند؟

گانها و باسگا ههای کردستان را خلق سلاح کرد، بسیار خوب، ولی آیا حزب دمکرات بمنظور تسلیح خلق کرد و دفاع از دستاوردهای انقلاب به این کار مبادرت ورزید یا بمنظور تبدیل ساختن خود به یک "قدرت" صادر زد و بندهای آبنده بتواند از موضع قدرت با حکومت مرکزی به سازش بنشیند و سهم بیشتری را برای خود و اربابان روسی خویش مطالبه کند. بدین ترتیب هر جا که رویزیونیست ها جنگی بنیاد میکنند و یاد در جنگ برپا شده ای شرکت میکنند هدفشان فقط و فقط "تحکیم" قدرت "خویش است تا با تکیه بر این "قدرت" بتوانند فردا در سازشها ایشان با دولت از موقعیت بهتری برخوردار گردند و به عنوان نماینده خلق کرد، ایثن خلق را به صلح بوروژازی به کشانند و قربانی منافع ابر قدرت شوروی سازند. از همین جا است که مبارزه با این دوستان دروغین خلق کرد امروزه اهمیت

اعاده حیثیت از

بقیه از صفحه ۷

شوری نیز تریک گنت که از لیوشا فرجی که جزو قهرمانان چینی برای رویزیونیست های روسی معروف شده بود، اعاده حیثیت شده و گام جدیدی در نزدیکی بیشتر این دو قدرت رویزیونیست و سوسیال امپریالیست برداشته شده است.

حاکم بر خویش و توجیه ساخت و پاخت های خودشان بانو-کران شوری در ایران و نیز بالیبرال های حاکم، مجبورند که این لاطلاکلات را به خورده هواداران خویش بدهند.

نکته: دیگری که در اینجا گفتنش ضروری است این است که وقتی میگوئیم رویزیونیستها و عوام مسل سوسیال امپریالیسم در کردستان به اصطلاح خواهان "صلح" اند، این بدان معنی نیست که اینان واقعا صلح طلبند و از هرگونه درگیری اجتناب می روزند، خیر چنین نیست. رویزیو-نیستهای خائن و کاراندا-زان سیاست شوری در ایران خودنیز یک پای جنگ افروز و فتنه انگیزی در کردستان اند، اینان برای تحکیم موقعیت خویش میتوانند خود را از گزیر جنگ و فتنه انگیزی باشند، کما اینکه در طول یکسال و نیم گذشته رهبران حزب دمکرات به بسیاری از فتنه انگیزیها و جنگ های ناخوا-سته دا من زده اند. ما برای خونین نقشه به تخریک حزب دمکرات و بمنظور تحکیم موقعیت این حزب صورت گرفت و صدها تن از هموطنان ما در آن ماجرا قربانی قدرت طلبی رهبران حزب دمکرات گردیدند. حزب دمکرات کردستان بسیاری از یباد-

ویژه ای پیدا میکند، ما به عنوان بخشی از جنبش کمو-نیستی ایران از همان فردای انقلاب انضای این دوستان دروغین خلق کرد را نیز در دستور کار خویش قرار دادیم و تا آنجا که می توانستیم رهبری حزب دمکرات و هدف - هائی را که این رهبری در کردستان تعقیب میکند به مردم ایران نمایانندیم. اینک با پیوستن "رهبران فدائی" به اردوگاه رویزیونیسم جهانی مبارزه با کاراندازان سیاسی شوری در ایران برای کمونیستها و انقلابیون راستین ایران اهمیتش دوچندان شده است. ما از تمامی گروهها و عناصر مارکسیست - لنینیست و از تمامی دمکراتها و میهن پرستان راستین میخواهیم که خطر شوری و ستون پنجم آنرا در میهنمان بین ازهر زمان دیگری جدی بگیرند. اگر نمی خواهیم فردا وطنمان به افغانستان دیگری بدل شود همای مبارزه با امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلی با یابد استون پنجم سوسیال امپریالیسم شوری و نوکران ایرانیش قاطعانه مبارزه کنیم.

کمکهای مالی خود را به هر طریق ممکن ارسال نمایید

آیا مبارزه در راه منافع خلق ...

(بقیه از صفحه آخر)

مسئله "گروه‌های دست چپی مسلح غیرمسلول" است و اگر این گروه - ها اسلحه را بر زمین بگذارند و با زبان

بدین سان جنگ فدا مپریا - لیستی مردم را به جنگ میان مردم تبدیل میکنند افشاء کنیم. (قسمتی از سر مقاله " کار " ۵۹ " رهبران فدائی " ضمن اینکه پاره‌ای از سازمانهای انقلابی که امر مقاومت خلق کرد را پیش میبرند به خیانت متهم می - سازند چنین استدلال می - نمایند که این سازمانها زمینه رشد " گرایشات ضد دمکراتیک " را در جناحهای از " حکومت " فراهم میسازند، به زبان دیگر " رهبران فدائی " معتقدند که توده های انقلابی خلق کرد و پیش مرگه های رزمنده اش که در برابر بیورش وحشیانه ضد انقلاب مقاومت می نمایند از دست آورده های انقلاب حفاظت میکنند با عث می - گردند که در جناحهای از حکومت " گرایشات ضد دمکراتیک " بوجود آید. بزغم " رهبران فدائی " دارودسته های بهشتی، چمران و ... نه جنگ افروزند و نه ضد آزادیهای دمکراتیک، بلکه این گروههای به اصطلاح " چپ رو " هستند که ایمن دارودسته ها را تحریک می - کنند و در آنان " گرایشات ضد دمکراتیک " بوجود می - آورند. بنی صدر هم که خود در کردستان یک پای ضد انقلاب و جنگ افروزی است سازمان دیگری هم حرف را میزند و معتقد است که مسئله کردستان و تمامی ایران

همین حزب مزدور و خائوسان توده مدعی بود که " جوانان احساساتی " با عملیات " ماجراجویانه " خود موجب " گرایشات ضد دمکراتیک " در " جناحهای " از رژیم شاه گردیده اند، و حالا پس گذشت ۱۰ سال " رهبران فدائی " درست جای پای رهبرای مزدور و خائوس حزب توده راه میروند و در جستجوی

منطق " به " بحث آزاد بنشینند، بزودی تا میسر

.... " رهبران فدائی " معتقدند که توده های انقلابی خلق کرد و پیش مرگه های رزمنده اش که در برابر بیورش وحشیانه ضد انقلاب مقاومت می نمایند از دست آورده های انقلاب حفاظت میکنند با عث میگردند که در جناحهای از حکومت " گرایشات ضد دمکراتیک " بوجود آید.

علت " گرایش ضد دمکراتیک " در جناحهای از حکومت دقیقاً به همان نتایج می - رسد که ده سال پیش رهبران مزدور و حزب توده به آن رسیده بودند. متناسب با این تحلیل که رویزیونیستها از علل پیدایش " گرایشات ضد دمکراتیک " در حکومتها می نمایند پرولتاریا و خلق های ستمدیده جهان باید تا ابد زنجیرهای استثمار و بردگی را بردست و پای خود حفظ کنند. چونکه اگر کوچک ترین حرکتی برای گسستن

" آزادیهای دمکراتیک و قانونی " در سرتاسر ایران فراهم خواهد شد. بدین ترتیب بورژوازی لیبرال و " رهبران فدائی " گرچه از دوزاویه مختلف حرکت می - کنند ولی در یک نقطه بهم میرسند و زبان مشترک پیدا میکنند. که البته به چنین وحدتی با بورژوازی رسیدن از دست آورده های رویزیونیسم جهانی است. طی ۲۰ سال گذشته هر جا که ارتجاع و امپریالیسم خلقها را وحشیانه مورد بیورش قرار داده اند و دیکتاتوری و خفقان خود را علیه توده ها عریان ساخته اند بلافاصله رویزیونیستهای خائن وارد معرکه شده اند و " مائوئیست های ماجراجو " را مسبب بوجود آمدن " گرایش ضد دمکراتیک " در رژیم های دست نشانده و سرکوبگر دانسته اند. ما هرگز از یاد نبرده ایم و نباید " رهبران فدائی " هم هنوز فراموش نکرده باشند که در سالهای نخست دهه ۵۰ در آن هنگام که چریکهای فدائی خلق، جنگ چریکی شهری جسد از بوده را در ایران آغا کردند

و روشنفکران انقلابی میهن ما نباید دست از پا خطا کنند و قدمی در جهت کسب منافع و تحقق بخشیدن به آرمانهای طبقاتی و ملی خویش بر - دارند. چرا که اگر چنین کنند زمینه " رشد گرایشات ضد دمکراتیک " در " جناحهای از حکومت " فراهم میشود.

خصلت ضد دمکراتیک دارودسته های فدا انقلابی را ناشی از مبارزه توده ها و فعالیت گروههای انقلابی دانستن همانقدر ابلهانه است که تصور شود استعمارگران ناشی از مبارزه طبقاتی کارگزاران است. طبقا تی سرمایه داران است یا ناشی از مبارزه کارگران؟ رویزیونیستهای جوان ما آیا هنوز این رانمی فهمند که " گرایش ضد دمکراتیک " ناشی از ماهیت طبقاتی " جناحهای از حکومت " است که فقط با توسل به سرکوب و شیوه های ضد دمکراتیک می - توانند از منافع قشری و طبقاتی خویش حفاظت نمایند؟ آیا این رانمی فهمند که در وجود فتنه انگیزان شرور چون رفسنجانی ها و غفاریها و خامنه ای ها و ... به اندازه

طی ۲۰ سال گذشته هر جا که ارتجاع و امپریالیسم خلقها را وحشیانه مورد بیورش قرار داده اند و دیکتاتوری و خفقان را علیه توده ها عریان ساخته اند بلافاصله رویزیونیستهای خائن وارد معرکه شده اند و " مائوئیست های ماجراجو " را مسبب بوجود آمدن " گرایش ضد دمکراتیک " در رژیم های دست نشانده و سرکوبگر دانسته اند.

این زنجیرهای آسارت به کای " گرایش ضد دمکراتیک " نمایند در جناحهای از حکومتها " گرایش ضد دمکراتیک " نباشد " رهبران فدائی " در مبارزه مردم سازمانهای انقلابی بدنیاال عامل محرک حزب توده و " رهبران فدائی " خلقهای ایران، طبقه دهقانان ستمدیده

این زنجیرهای آسارت به کای " گرایش ضد دمکراتیک " نمایند در جناحهای از حکومتها " گرایش ضد دمکراتیک " نباشد " رهبران فدائی " در مبارزه مردم سازمانهای انقلابی بدنیاال عامل محرک حزب توده و " رهبران فدائی " خلقهای ایران، طبقه دهقانان ستمدیده

بقیه در صفحه ۹

همدست تیمسار "رزمی" جلد

بقیه از صفحه آخر

وحشتناک سینما رکس را فرا - موش نکرده اند و همچنان خواهان رسیدگی به پرونده خونین سینما رکس و شناسایی مجازات مسببین آن جنایت بزرگ هستند.

یکی از مسببین جنایت سینما رکس آبادان شخصی است بنام سیدجلال سعیدنیا که در هنگام وقوع جنایت سینما رکس فرماندار آبادان بوده و پس از قیام بهمن ماه به وسیله دستگیر و زندانی میشود، این که به اثاره محافلی از رژیم جمهوری اسلامی و بنا نهادن خود از زندان "قرار" میکنند و میروند تهران و از قرار معلوم بانندی از حزب جمهوری اسلامی بر سرش آب تظہیر میریزد، گناهاش

شان دادند ما خیلی رود با چشمان خود دیدند که مسئولین امر نه تنها قدمی در جهت شناسایی و محاکمه و مجازات عاملین کشتار سینما رکس برنمیدارند بلکه خود مشغول محو نمودن آثار آن جنایت هولناک و سرپوش نهادن بر حقایق امر هستند، بالاخره گاه "صرا انقلابی" مردم آبادان و خانواده های شهیدان لبریزند و با فشاری خود را برای رسیدگی به پرونده خونین سینما رکس از سر گرفتند و در ادامه همین فشاری عادلانه و بیرحم است که امروزه مقامات محلی جمهوری اسلامی در آبادان مهر "فدا انقلاب" را هم بر خانواده های شهدای سینما رکس میکوبند، چرا؟ چونکه این داغدیدگان هنوز کشتار

اعاده حیثیت از لیوشا ثوچی

بقیه از صفحه آخر

بررگترین سردمدار شوروی - ری تکست خورده جنس در دوران ساخمان سوبالیم و تحکیم دیکتا توری یرونا - ری بود که میگوید از طریق حزب کمونیست جنس در آن زمان اصول سرمانداری را احیا و نفوذ بخشیده و همان سدخروجی تا یک گوندنای اریحاعی طبعه کارگر را از حاکمیت سردولت سرنگون سازد، البته و در آن زمان موش سندی با موش جنس از اریحاعی خود برود و با لاسره

در عین حال اعلام وحدت با - سمون با شوروی و ای میریالیست های جنس - الللی، این جمع صد انقلابی مراسم بود برای این و برین ما شوروی انقلابی جنس و انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری جنس که بحرکت سرنگونی دارودسته لیوشا ثوچی و سنگ سیا ثوبینگ شده بود.

لیوشا ثوچی از حمله سردمداران و بنایدگسیست اریحاعی

را پاک میکنند و به عنوان فر - ماندا ریابل انتخاب و با این شهر اغرامش مینماید. اما مردم مباریابل او را گذشته ننگین و جنایشکارانش را می شناسند و علیهاش به مبارزه برمیخیزند تا اینکه از ترس جان پست فرمانداری را رها میکنند و به تهران بازمیگردند و به عنوان مشاور وزیر کشور مشغول کار میشوند و اخیرا هم با حفظ سمت برای انجام انتخابات باطل شده شهر ساوه به این شهر اعزام می - گردد، گفته میشود که هدف از اعزام سعیدنیا به ساوه این است که در انتخابات آینده این شهر شخصی را بنام حجت - الاسلام یا سینی که رئیس یکی از کمیته های تهران است، از صندوق انتخابات ساوه

عده انقلاب توده ای فرهنگی قرار گرفت و از مقامات خود برگزید و از حزب مادام العمر اخراج شد، البته به همراه سرکرده اریحاعی دیگری بنا بستگ سیا ثوبینگ وجود داشت که از اهداف انقلاب قرار گرفته بود و از مقام های خود در دولت و حزب برگنار گردید، ولیکن بعدها بگمک نیروهای راست و رویزیو - نیست درون و بیرون حزب توانست مجددا در سال ۱۹۷۳ به مقام های حزبی دست یابد که مجددا مورد ستاف و حمله قرار گرفته و سرنگون گردید، از سر برگوندنای اریحاعی سال ۱۹۷۶، که که میگوید در آن زمان موش سندی با موش جنس و سواستندت در آن زمان سرپرست اریحاعی در تهران بود و در آن زمان موش سندی با موش جنس از اریحاعی خود برود و با لاسره

بیرون آورد، دیگر از گذشته ننگین سیدجلال سعیدنیا این که این مزدور پیش از اینکه به وزارت کشور منتقل شود کارمند تلویزیون بوده و در شناسایی گروه گلسرخسی - دانشیان با ساواک همکاری چشمگیری داشته است که پس از دستگیری گلسرخسی و رشاقیش، ساواک بیاسای - خوش خدمتی اش او را بعنوان فرماندار ساوه منصوب می - نماید، بعد از او به دزفول منتقل میشود و جندی هم فرماندار این شهر بوده است سپس به عنوان فرماندار آبادان به آن شهر اعزام میشود که تا قیام بهمن ماه در این سمت مشغول خدمت به رژیم سرنگون شده پهلوی بود.

بود، او در سخنرانی خود درباره "لیوچین گفتند است: "رفیق لیوشا ثوچی یک مارکسیست کبیر و انقلابی پرولتری بود که تمام زندگی مبارزه جویانه خود را وقف آرمان کمونیسم نمود، " برای سالیان دراز، رفیق لیوشا ثوچی مبارزه خشکی نامدیری را برای تحکیم و توسعه حزب، در پیروزی انقلاب دموکراتیک سوسیالیستی و در احیای شوروی و مبارزه علیه موش سندی و سرمانداری اریحاعی و سرکشی کمونیست های اریحاعی و سرکشی پرولتری جنس که بحرکت سرنگونی دارودسته لیوشا ثوچی و سنگ سیا ثوبینگ شده بود.

آیا مبارزه در راه منافع خلق به گرایشات ضد دموکراتیک پامیدهد؟

چگونه بخشی از رهبران فدائی، در روزیونیسیم غرق میشوند

مقابل جنگ افروزر حکومت و جهات نگاه با چپ روی ها و حرکات آنارشیستی خود بزرگ ترین خیانت ها را به جنبش صدامیریالیستی خلق ما روا میدارند و در زمینه "رشد گرایشات ضد دموکراتیک و جنگ افروزان" جناح فدائی از حکومت را فراموش میسازند و بقیه در صفحه ۱۰

تا چه حد عمیق و ریشه دار گردیده است. ما در این جا به بررسی نکته ای از سرمقاله "کار ۵۹" میپردازیم و سعی میکنیم که رویزیونیسیم "رهبران" را در خلال آن نشان دهیم. در سرمقاله "کار ۵۹" چنین میخوانیم: "ما موظفیم عناصرجنگ افروزان را چه در

شدند و سرانجام امروزه کارشان به جایی کشیده شده است که به دنیا له روسیاسی حزب وطن - فروش توده بدل گردیده اند. و تعجب آور نیست که این روزها "حزب توده" از "تغییرات مثبت و امیدبخش" که گویا در رهبری فدائیان خلق بوجود آمده است سخن میگویند. - سرمقاله "کار ۵۹" به همان اندازه که مزدوران شوروی را در ایران خشنود ساخت و به وجد و سرور آورد، کمونیستهای ایران را تکران ساخت، رهبران رویزیونیسیت فدائی با انتشار "کار ۵۹" نشان دادند که رویزیونیسیت آنان

بخشی از رهبری "سا زمان چریکهای فدائیان خلق" که از مدتها پیش کامنتها در بیراهه رویزیونیسیم را آغاز کرده است، اینک در ادامه "کامهای نخست هر روز خود را در منقلب رویزیونیسیم بیشتر غوطه ور میسازد. این بخش از "رهبران فدائی" در مقابل با کمونیستهای راستین ایران ابتدا بطور کودکانه در مورد "غیر علمی بودن تز سوسیال امیریالیسم" "نعماتی ساز کردند، سپس در مورد "علمی بودن" تره های من در آوردی و بی سرتو خود قلم فرسائی نمودند، این اواخر هم موفق به کشف "اردوگاه سوسیالیسم"

همداست تیمسار رزمی، جلاد

مشاور وزیر کشور است!

از قیام بهمن از مردم داغ دیده آبادان خواستند که برای رسیدگی به پرونده خونین سینما رکن "صبر انقلابی" داشته باشند و به "دولت موقت انقلابی" فرصت دهند تا تحقیقات خود را در این خصوص دنبال کنند و نتیجه را به اطلاع عموم مردم ایران برسانند. و مردم آبادان و خانواده های شهدای سینما رکن از خود "صبر انقلابی"

نزدیک به دو سال است که از به آتش کشیدن سینما رکن آبادان که در جریان آن حدود هزار تن از هم میهنانمان به هلاکت رسیدند میگذرد. در طی این مدت مردم آبادان و با زماندگان شهدای سینما رکن پیوسته خواهان دستگیری و محاکمه و مجازات گناهی هستند که به گونه ای در آن جنایت بزرگ سهیم بوده اند. مقامات جمهوری اسلامی در روزهای نخست پس

درباره اعاده حیثیت از

لیوشائوچی

نبود جز اعلام دشمنی رهبران کنونی چین با طبقه کارگر و مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه های ما قوتسه دون، و بقیه در صفحه ۱۱

در روز ۱۷ ماه مه (۲۸ اردیبهشت ماه) مراسمی در بکن برگزار شد که میتوان گفت از بزرگترین خیانت های دارودسته رویزیونیسیم نیست. حاکم پرچین نسبت به خلق چین و طبقه کارگر چین اللیلی شمار میرود. طی این باسلاخ مراسم یادبود آقای لیوشائوچی که از سوی انقلابیون چینی و شخص ما قوتسه دون به خروش و شرف عین ملقب شده بود، توسط دارودسته تنگ هوا تطهیر شده و القاب "انقلابی" او احیاء گردید. مراسم اعاده حیثیت لیوشائوچی خائن، چینی

ساواکی ها هنوز آزادند!

انقلاب و مردم ما نوطه می - جیند. کمالی شکنجه گر را زمانی که برای دریا صفت حقوق مرا جعه کرده بود دستگیر کردند! میدانید این یعنی چه؟ یعنی اینکه کمالی و کمالی ها آزادند و بی خیال راحت از جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۸

پدیرفته است. اما محاکمه و اعدام کمالی شکنجه گرد در عین حال یادآور خطری است که از بدوسرنگونی دریا ریهاسوی وجود داشته و انقلاب ما را به شدت تهدید میکند. خطر عمال ساواک که آزادانه مشغول فعالیت بوده و با استناد از "عمو" های گوناگون سرعلیه

کمالی شکنجه گر هفته گذشته اعدام شد و به سزای جنایات بی شمارش رسید. مردم داغدار ما از این حکم استقبال کرده و زیارت آن خشنود می باشند، چرا که جنایتکاری به سزای اعمالش رسیده است و خواست بحق همه مردم ایران تحقق